

زوم

بده

گزارش «ایران جمعه»
از بولتن‌سازی فتنه‌انگیزانه‌ای
که فضای سیاسی کشور را ملتهب
کرده است

بولتن‌های سمی

«این بولتن‌ها با نظارت [...] قائم مقام فارس، به‌صورت دوره‌ای تهیه و تحت عنوان بولتن ویژه بیان به دفتر فرمانده کل سپاه ارسال شده‌اند که ما آنها را از سرورهای بکاپ فارس استخراج کرده‌ایم. برای حفظ اصالت متادیتا فایل‌ها، پسورد آنها حذف نشده و باید با یکی از اعداد زیر (پسورد) هر کدام از فایل‌ها را امتحان کنید...» اینها بخش‌هایی از عباراتی است که چهارشنبه ۹ آذر در یکی از کانال‌های تلگرامی و در ضمیمه یک فایل زیپ شده منتشر شده بود. فایلی زیپ‌شده که هرچند شبیه آلوده بودن‌شان به بدافزارهای نرم‌افزاری و ویروسی هم مطرح بود اما در نهایت عده‌ای دل به دریا زدند تا ببینند کانال تلگرامی که در هفته‌های اخیر از حامیان سایبری پروژه آشوب بوده چه مدعایی در آستین دارد.

کانال مزبور پیش از این فایل‌ها و اطلاعات دیگری هم از خبرگزاری فارس منتشر کرده بود. آخرین مورد یک فایل اکسل مربوط به اطلاعات و داده‌های افرادی بود که سال‌های قبل سابقه فعالیت در این خبرگزاری را داشتند؛ فایلی که هرچند جدید نبود و اطلاعات آن هم قدیمی و سوخته محسوب می‌شد و بسیاری از نام‌های ذکر شده در آن در حال حاضر دیگر در این خبرگزاری حضور ندارند اما با این حال باز هم مشمول انتشار عمومی اطلاعات خصوصی کسانی محسوب می‌شد که اصولاً هیچ ارتباطی با کشمکش‌های رسانه‌ای و سیاسی اقدامات هفته‌های اخیر نداشتند و صرفاً به‌عنوان یک خبرنگار در ماه‌ها یا سال‌های گذشته در این خبرگزاری مشغول به فعالیت بودند.

تور

رسانه

خط

مقدم

جنگ

نرم

جدیدترین اقدام کانال ناشناس اما حکایت از موضوع دیگری داشت. شبیخون رسانه‌ای به سرورهای رسانه‌ای در خط مقدم جنگ رسانه‌ای با پروژه ترکیبی دشمن قرار دارد و همیشه هم مورد حقد و کینه جریان‌های معاند قرار داشته است. انتشار اطلاعات منتسب به بولتن ویژه حکایت از آن داشت که یک جریان سیاسی در سایه در

پناه نام یک رسانه و حتی با وجود میل مدیریت خبرگزاری فارس مشغول اجرای پروژه دیگری بوده است که قرار بوده در درازمدت دوش به چشم جمهوری اسلامی برود. نکته جالب توجه در این میان آنکه این پروژه چندی قبل مورد عتاب دفتر رهبر معظم انقلاب قرار گرفته و قرار بود فعالیتش برای همیشه تعطیل شود. حال آنکه با وجود این مسأله چرا همچنان مشغول به فعالیت بوده سؤالی است که باید بیشتر درباره آن کنکاش کرد.

انتشار محتوای بعضی شماره‌های بولتن که ملغمه‌ای از اطلاعات نادرست و ناقص و مجعول و درست بود از سوی رسانه‌های معاند با استقبال شديدي مواجه شد. سمت دیگر ماجرا اما واکنش بعضی نهادها و افرادی بود که این بولتن بعضی اخبار و واکنش‌ها را به آنها منتسب کرده بود.

در رأس این لیست بعضی اخبار منتسب به رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار داشت که مبتنی بر اقوال نادرست، مجعول و ناقص بعضی مطالب و مواضع درباره امور جاری کشور به ایشان نسبت داده شده بود. انتساب‌هایی که علاوه‌بر آنکه حاشیه‌های زیادی در رسانه‌های ضد ایرانی فارسی‌زبان ایجاد کرد با مشی و سیره ایشان در راهبری کلان جامعه هم سازگاری نداشت.

واکنش عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

این اتفاق از قضا با واکنش مهدی فضائلی عضو دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز مواجه شد. فضائلی که سابقه مدیریت خبرگزاری فارس را هم در کارنامه مدیریتی خویش دارد با انتشار توثیقی به این ماجرا واکنش نشان داد و نوشت: «علاوه‌بر آنکه اغلب اخبار و مواضع منسوب به رهبر معظم انقلاب در بولتن خبری یک مجموعه رسانه‌ای به‌دلیل غیردقیق، ناقص و گاه جعلی بودن غیرمعتبر است، باید به اغراض شوم دشمن توجه داشت که اخباری دروغ‌را به‌عنوان اخبار این بولتن محرمانه مطرح کند.»

سپاه پاسداران: نیازی به این بولتن‌سازی‌ها نداریم

این اما همه ماجرا نبود؛ مهم‌ترین مدعای کانال تلگرامی حامی آشوب آن بود که این بولتن، تنها در یک نسخه و به جهت فرمانده کل سپاه پاسداران تهیه و ارسال می‌شود. خبرگزاری تسنیم به نقل از یکی از منابع مطلع خود درون سپاه پاسداران و نزدیک به فرمانده کل سپاه هم این انتساب را تکذیب کرد. تسنیم به نقل از منبع خود درون سپاه پاسداران نوشت:

«یک منبع مطلع در سپاه گفت: این ادعا که فرمانده کل سپاه برخی اخبار را از طریق بولتن تهیه شده توسط یکی از مسئولان یک رسانه دریافت می‌کند غیرواقعی و کذب است. فرمانده سپاه، فرمانده ارشد یکی از مهم‌ترین ارکان نیروهای مسلح است که در آن علاوه‌بر یگان‌های رزمی، یگان‌های اطلاعاتی و حفاظتی پیشرفته‌ای قرار دارند و بالاترین دسترسی به اطلاعات لازم از طریق آنها و همچنین از طریق جلسات سطح کلان و طبقه‌بندی شده نظام وجود دارد؛ لذا اینکه ادعا شود خبرنگار یا یکی از مسئولان یک خبرگزاری مسئول تهیه بولتن اخبار محرمانه برای فرمانده کل سپاه شده است، مضحک است. یکی از نشانه‌های

مضحک بودن این ادعاها در فضای مجازی آنجاست که اخبار و نقل قول‌های جعلی از خود فرمانده کل سپاه هم برای فرمانده کل سپاه در آن گنجانده شده است! یعنی فرمانده کل سپاه برای آنکه بداند خودش چه گفته یا چه اقدامی کرده تولید بولتن سفارش می‌دهد؟»

واقعیت میدان هم قرابت زیادی با مطالب مطرح شده در خبرگزاری تسنیم دارد. حسب اطلاع «ایران جمعه» بولتن فوق‌الذکر هرچند در پوشش خبرگزاری فارس و با ادعای ارسال برای فرماندهی کل سپاه تولید و توزیع می‌شد اما این کار در عمل نه ارتباطی با مدیریت این خبرگزاری داشت و نه برای فرمانده کل سپاه ارسال می‌شد. در واقعیت ماجرا، جامعه مخاطبان بولتن مزبور جمعی از مدیران و مسئولان لایه دوم بودند و همین مسأله هم شبانه‌سوءاستفاده



عبدالله گنجی، عضو سابق شورای سیاست‌گذاری خبرگزاری فارس در واکنش به حواشی این بولتن‌ها چنین توثیت کرد: «شهادت می‌دهم با هویت خبرگزاری فارس چنین چیزی نبود. هر موقع کسی هم اعتراضی به مدیر فارس کرد پاسخ شنید که ربطی به فارس ندارد. این حقیقت ماجراست.»

بعضی منابع مرتبط با ایران جمعه هم مؤید و تأییدکننده اظهارات گنجی هستند.

سرسری

برای تأثیرگذاری یک جریان مشخص سیاسی را تقویت می‌کند؛ جریانی که برای مطامح خود حتی از انتساب بعضی واقعیات نادرست، معوج و ناقص به رهبر معظم انقلاب هم ابایی ندارد.

عضو شورای سیاست‌گذاری خبرگزاری فارس از دیگر چهره‌هایی بود که نسبت به مطالب و مواضع مطرح شده در این بولتن‌ها واکنش نشان داد.

عبدالله گنجی مدیر مسئول روزنامه همشهری، مدیرمسئول سابق روزنامه جوان و عضو سابق شورای سیاست‌گذاری خبرگزاری فارس هم در حساب کاربری شخصی در توئیتر نوشت: «به‌عنوان کسی که چندین سال عضو شورای سیاست‌گذاری فارس بودم اعلام می‌کنم یک‌بار نه بولتن دیدیم نه در جلسات شورای مذکور طرح شد. این کار را شخص خاصی انجام می‌دهد که از قضا در فارس هم کار می‌کرد. در تابستان ۹۹ خبری از بنده زده بود که صحت نداشت وقتی به مدیر فارس اعتراض کردم گفت ما در فارس نه بولتن داریم و نه من بولتن می‌خوانم.»

گنجی در ادامه با تأکید بر اینکه خبرگزاری فارس دخالتی در این کار نداشته و با دفاع از مدیریت فعلی خبرگزاری فارس در این ماجرا نوشت: «شهادت می‌دهم با هویت خبرگزاری فارس چنین چیزی نبود. هر موقع کسی هم اعتراضی به مدیر فارس کرد پاسخ شنید که ربطی به فارس ندارد. این حقیقت ماجراست.» بعضی منابع مرتبط با ایران جمعه هم مؤید و تأییدکننده اظهارات گنجی هستند که تولید و توزیع این بولتن ارتباطی با مدیریت فعلی خبرگزاری فارس ندارد. اساسی که در ابتدای گزارش مطرح شد حال دوباره مجال طرح پیدا می‌کند. وقتی چنین پدیده‌ای از سوی برخی کنشگران مهمی که بعضی مطالب خلاف به آنها نسبت داده شده رد و تکذیب می‌شود چرا و چگونه چنین جریانی در پوشش رسانه مشغول به فعالیت بوده است؟

فتنه‌انگیزی علیه سران قوا

منهای واکنش‌های مهم صورت گرفته در تکذیب و رد این ماجرا اما تحلیل بعضی مطالب مطرح شده در این بولتن هم جالب توجه است. قابل تأمل‌ترین موضوع، بازنامایی شکاف بین دو قوه مهم اجرایی و مقننه کشور است. تدوین‌کنندگان با انتساب بعضی اظهارات به رئیس مجلس شورای اسلامی مدعی گلابه رئیس قوه مقننه از رئیس‌جمهور نزد رهبر انقلاب شده بودند. نکته جالب توجه آنکه این ادعا مشخصاً با واکنش رؤسای سه قوه روبه‌رو شد و آن را تکذیب کردند. رؤسای قوا در نشست مشترک خود که عصر شنبه ۱۲ آذر به میزبانی دفتر رئیس‌جمهور برگزار شد با واکنش صریح نسبت به خبرسازی‌های دروغ و فاقد اعتبار تصریح کرده بودند که مراجع ذیصلاح اعتبار اینگونه خبرسازی‌های بی‌اساس را رد کردند و جامعه

آگاه و بصیر ایران اسلامی نیز نشان داده‌اند که تحت تأثیر اینگونه جریان‌سازی‌ها که با هدف موج‌سواری و برهم زدن ثبات جامعه صورت می‌گیرد، قرار نخواهند گرفت. جالب آنکه مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران هم در این میان از حملات بولتنی مزبور در امان نمانده است. تهیه‌کنندگان

بولتن مزبور با ذکر عبارات کلی، مبهم و نامشخصی مانند «بعضی کارشناسان» به فعالیت‌های این مؤسسه مطبوعاتی واکنش نشان داده و دور جدید فعالیت‌های ایران را که شامل احیای پیوسته‌های متعدد رسانه‌ای، نشریات و انتشار کتب و محصولات فرهنگی را نگران‌کننده توصیف کرده است. همکاران، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران مؤسسه مطبوعاتی ایران با کمال میل حاضر به توصیف و تشریح فعالیت‌های خود برای دست‌اندکاران بولتن مزبور هستند تا مشخص شود کدام بخش از فعالیت‌های فرهنگی مؤسسه از دید مسئولان این بولتن، خطرناک تشخیص داده شده است.

سؤال مهمی که در میانه این نزاع و معرکه رسانه‌ای پیش می‌آید اینکه اگر دمل این موضوع سر باز نکرده و ثمرات نامبارک آن بیرون نریخته و این چنین از همه جوانب ماجرا مورد تکذیب و طرد قرار نگرفته بود، این اقدام و اقدامات مشابه آن قرار بود تا کجا ادامه پیدا کند؟! هرچند رئیس قوه قضائیه سخن از برخورد با این اقدامات گفته اند اما برآستی اگر این ماجرا در این نقطه خاتمه پیدا نمی‌کرد چه کسی مسئولیت برخورد با انتشار مطالب معوج، ناقص و مجعول درباره چهره‌های مختلف داخل کشور و جریان‌های مختلف سیاسی کشور داشت؟ تأثیرات این

جریان‌ها و چهره‌ها در سپهر سیاسی کشور چیست؟

استقبال از عزم برخورد

هرچند تأمل درباره پرسش‌های بالا مفید به نظر می‌رسد اما از وجوه دیگر ماجرا هم نباید غافل شد که رخدادهایی مانند واکنش یکپارچه با چنین جریان‌هایی که از قضا به بولتن مزبور محدود نیستند و به‌نوعی ادامه مسیر همان کانال‌های بی‌نام و نشان فتنه‌انگیز تلگرامی هستند که چند ماه قبل با برخورد جدی مواجه شدند درجه‌هایی از امید و روشنایی را هم به روی مخاطبان منصف بیرونی باز می‌کنند که این قبیل اقدامات فتنه‌انگیزانه بی‌پاسخ هم نخواهند بود و اراده‌هایی برای مهار و برخورد با آنها وجود دارد.